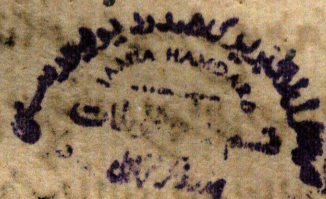


133
تصنيف
مكتبة
مجلس
العلماء
بدمشق
العدد
133



1391



144

از آباد

از سبب زین و از زاده دکان بر دکانه بنی العابدین بنی حمیس که طاهر
 میرسد و از قتل برکت زین و از زاده اولیا و خلف بعبده بنی طاهر
 خیرال دین میجوید ششوی این سلسله از زینت و کوهز این خانه
 چو افتاب روز با سلسله پنهانیت با خانه کنه کوی از هر است
 فوجینه چه پیمروالت فوج چه بیکار است هر دو که ازین میجوید
 آب رخ لول و در بریزد هر یک کزین فلک بزیاید روز دوده زناه و در
 خوراید از هر طرف کیم و احسا در هر طرف عیدیم بهمت این در که
 که فخر خود و رالت خاکی همه از سرالت خورند که بر فلک را و است
 از خاک ایی در از سرالت ولایت خاصه مخصوص است بود اهلان
 سلوک و به عبارته غنی فساد الهی و لکن و بقائه به فالو و اهلان
 فیه و الباقی به قطب جهان از باب آیات و دلایات بود و آل و اهل
 بیت رسول صا و علیهم السلام و معالمتنیریل قال انی صا و علیهم السلام
 از تارک فیکم الثقلین کتاب الله و اهل بیت اذکرکم الله و اهل بیت
 اذکرکم الله و اهل بیت اذکرکم الله و اهل بیت از راورای حجت بر
 من اهل بیت قال هم آل عا آل جعفر و آل عقیل و آل عباس قال الله
 صا و علیهم السلام یا ابراهیم ان الله شاکر عظم الصدقه صا و علیهم السلام

بسم الله الرحمن الرحيم وسم بالخیر

الحمد لله رب العالمین والواکبه السعید والصلوة علی سید المرسلین وعلی آله
وعلی الله الطیبین وارضی به الظاهرین وعلی من تبعهم ویتبع تابعهم اجمعین
یوم الدین انما بعد منکوبه شکسته باز زایه تحول مجتبی بن مصطفی ثبته
الله علی منبج الصدق والهدی فی العمل والقول والاعتقاد من مناقب
پدرش قطب جهان امام عبد الرحمان دویله وخلق درین فایده مستور ودر
اخبار مختلف مناقب وادوار خلفا بتفصیل منکوبه در ذیل احوال
و مناقب قطب جهان بتفصیل بنمود ودر حق پدر این صاحب کشف
و جامع بود مسائل علمیه چه ظاهر و چه باطن و چه عقاید و چه تقاضای
مناقب و احوال آن صاحب کمال و ولاد وی در اهل ولایت و کرامت
موجبات رتبه غیب سار با اول ماه ربیع الاول در سنه هزار و هشتاد
از زبان شفاست جمیع در قید کتابت آید که بحمد العارفین منکر آن
مقرر گشت که شیخ و امام و حکیم و اهلان و کاملان از او شنید و اطلاق
اسماء بر غیر این صاحب زینت قطب جهان کرامت و معارف و کرامات
و تزیینت آنست که از قید مادر و هم از قید پدر و از قید مادر و

دو هفته کتب سنی او تمام آن مامور کردند و بنید و بدرستی و افلاک مشغول
 تاد و از ده سال درس کار و نحو مرزبان و هما سکندر و بیست و هشتاد و او را
 بمصاحبت برگزید و روزی در اجنبه رسید باشت رت غیبی بطریق
 لایق پور آمده و بدرستی و افلاک مشغول شد و بعضی مکاتبات و احاط
 بدر بزرگوار و برادر فرمود که در عبد الرحمن وقت درسی و فائز تربیت
 آنست که در دفتر جمال کوز ترا فیضیه از سلسله بدر آن تو سه قدری
 فیضیه تو از مشرب علیه قلندری است پیش شیخ عبد السلام در چو پور بود
 که دی منتظر است دی چهار روز پیش از رسیدن قطب جمال کفایت دی
 با اصحاب میفرمود که طالب خدا بحر العلم از خانه زن ولایت و نبوت
 ترک و تجرید نموده و در استقبال کرده و در ادرا یافت و گفت شما
 جانبازید و با کرام و احترام تمام در منزل خویش آورده و در ظل تربیت
 جاد و در تربیت و محو زکاردی تمام شد و زن است و یافته و بطریق
 لایق پور آمده و با برادر مشغول شد و حین شیخ عبد القدوس میخواست که کمال
 فطرت جمال بیان نماید با در تمام نشستی و مقام نام مبارک الفاظ
 معظم و بزرگ حاکم حضرت و غیر آن طلاق کردی و بعد از آن صاحب دی
 شروع نمودی پس بهیچودی نزد معترف او این زمان در جهان

در نامه او مسافران و عوالم منتهای خیر و غنیمت از انجمن
منزه و الهیاتی و الهیاتی مشهور و متواتر و احوال و احوال
استحقاق و کرامت در روضه ارجاب آورده که منصف و عادل و
منزه است از آنکه او مسافران را قبول نمایند از روضه ارجاب
و می‌خواهد که از غنیمت که با خود می‌برد بی‌غرض و بی‌نیاز
داده شود و هر چه که بخواهد از آنجا که می‌خواهد
آدم است نسبت آن به باطن خلق جهان که در ضرب است
شبهه است متواتر که نسبت علیهم السلام در انبیا و معصومین
لهذا فی کمال حاصل سال پس از آنکه رسول خدا در غلّه و کمال و عقب
اولاد با هم سید آمد و در یاد آن حضرت را معصومین گردانید و معصومین
که سید است و لقب فرزند آن با هم بن عبد مناف است و هر که از آن
به نام می‌خوانند سید است قطب جهان امام عبد الرحمن جانبازی احمد
علاء الدین مستنجدی لایزال و پیر اکابر اصحاب شیخ عبد السلام مشهور
علی بن یحیی و قطب روزگار و از سادات اهل بیت و جامع میان
علوم ظاهر و باطن و حقیق و نقیصه چهارده ساله پیر بزرگوار
و قطب الاقطاب امام احمد علاء الدین متبرک و ولایت او را بحر العلوم
گردانید و بعد از وفات پیر بزرگوار خود به پسران و بی‌شمار و بی‌شمار
اعتبار و